

## فضای نگاتیو

### نقال‌ها

چگونه منتقدان دهه‌ی ۱۹۴۰ فرهنگ فیلم آمریکا را تغییر دادند

دیوید بردول

ترجمه‌ی بشیر ستیاح



## فهرست

- مقدمه‌ی اختصاصی برای خوانندگان ایرانی / ۷  
مقدمه / منتقد فیلم به‌مثابتهی آبرستاره / ۱۱  
فصل اول: نقال‌ها / ۲۵  
فصل دوم: نقد تازه‌تر / ۳۸  
فصل سوم: آنیس فرگوسن / راه دورین / ۶۰  
فصل چهارم: جیمز ایجی / مهیا و آماده‌ی رفتن / ۹۰  
فصل پنجم: مَنی فاربر / مرد فضاها / ۱۲۰  
فصل ششم: پارکر تایلر / مهمان خوش‌مشرب و با ملاحظه / ۱۵۳  
میراث / ۱۸۴  
منابع / ۲۰۰

## مقدمه<sup>۱</sup>

### منتقد فیلم به مثابه‌ی اَبَرستاره

اگر به صورت کلی و چشم‌پسته نظر دهید، خواهید گفت نقد فیلم بیش‌تر از هر زمان دیگری در حال تحلی است تا کوشش‌های صنعت روزنامه‌نگاری، هر شهر بررگی از نیویورک و لس‌آنجلس گرفته تا دیترویت و فیسبکس، میران احمسی از حرنگار-ریویویویس هاست منتقدان در اطراف سالن‌های نمایش بیر اردحام کرده‌اند - آن‌هایی که برای محلات آنالایس می‌نویسند، یا در پادکست‌ها و کلیپ‌های یوتیوب به گفت‌وگو می‌پردازند، و یا واکنش‌های آبی خود را تویت می‌کند احمس منتقدان آنالایس فیلم در سال ۲۰۱۴ بیش از دویست و پوحاه عضو داشت دو وسایت تحلیلی فیلم، راتن تومیتور و متاکریتیک، بسیاری از این نویسندگان را دنبال می‌کند، اما صدها غیر حرفه‌ای مشتاق و در مسیر حرفه‌ای شدن بیر وسایت‌های شخصی را با اظهار نظر در مورد فیلم‌های کلاسیک و همین‌طور امروری پر می‌کند

تا این حال، هر چقدر ریویویویسی عادی‌تر می‌شود ریویویویس‌ها بیر کم اهمیت‌تر جلوه می‌کند گرچه معدودی از منتقدان برجسته همچنان از این قدرت برخوردارند که متمایز ناقی بنامند، اما از شهرتی کم‌تر از چهره‌های مشهور دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بهره می‌برند شهرت اندرو ساریس، پالین کیل و راجر ایبرت از سطح اکثر فیلم‌هایی که در موردشان می‌نوشتند فراتر رفت و بعد از مرگ‌شان موضوع مدح و شرح‌حال‌نویسی‌هایی

۱. تمامی پانوش‌ها از مترجم است

حتی بیش‌تر از فیلم‌سازان فقید شدند آن‌ها در خاطره‌ی سینه‌فیل‌ها به‌مثابه‌ی یادگار دورانی که نقد فیلم به جهان حروف و کلمات صعود نمود، ناقدی ماندند

چند دهه قبل‌تر، ویچل لیدسی<sup>۱</sup>، هیلدا دولیتل<sup>۲</sup>، کارل سندبرگ<sup>۳</sup> و گراهام گرین<sup>۴</sup> کوشش کردند پیرامون فیلم‌ها بویسند، اما آن‌ها شهرت‌شان را در قلمروهای دیگری پایه‌گذاری کرده بودند تا این حال، در دهه‌ی ۱۹۶۰، کیل، ساریس، استنلی کافمن و تعدادی دیگر، با ریویویوسی دربارهی فیلم‌ها به‌عنوان به‌صرفاً گزارش‌گران‌های تازه بلکه موقعیتی برای نمایاندن ادراکات و فهم بویسنده برحورد کردند در حالی که دیگران بطیر دوایت مک‌دانلد، جان سیمس و سوران سانتاگ به‌طور جامع در مورد هس می‌نوشتند، اما شهرت‌شان قویاً وابسته به این امر بود که دربارهی فیلم‌ها چه نظری دارند

مردم می‌گفتند «فلان مطلب را خواندم نه به این خاطر که اهمیتی به فیلم‌های جدید ندهم، بلکه به این دلیل که این منتقد بویسنده‌ی خوبی است و شخصیت‌حالی دارد» (ناسلی کراوثر، مرد پوشالی و کم‌اهمیت‌اندی که برای محله‌ی تایمر می‌نوشت، از آرمون کاریرما ناموفق بیرون آمد، به‌علاوه، از درک نابی و کلاید<sup>۵</sup> عاخر ماند) برای منتقدان فیلم تازه از راه رسیده، اکران فیلم‌ها بیش‌تر به سکوی پرشی جهت شیرجه‌ای بلند در تریویوسی و به نمایش درآوردن هفتگی یا ماهانه یا فصلی لفاظی‌ها و ماحراحویی‌های سوداگرایانه تبدیل شده بود تا بیان عقیده در مورد فیلم‌های جدید نقد فیلم‌پدیرای دسته‌های متکثری از شخصیت‌ها، از جمله انجمی از بحگان، شده بود کیل و ساریس در سال ۱۹۶۵ به پردیس دانشگاه من آمدند تا دربارهی جایگاه فیلم‌ها به‌عنوان هس «مناظره» کنند ده سال بعد، ایرت اولین جایزه‌ی پولیتزری را که به یک منتقد فیلم اهدا می‌شد، دریافت نمود

به‌رغم تمامی خودیسی‌ها، ریاده‌روی‌ها و ابهامات مهمومی رمانه، دستاوردهای انتقادی ارزشمندی در این دوران حاصل شد بویسندگان دهه‌ی ۱۹۶۰ شان دادند که نقد فیلم ژورنالیستی می‌تواند مانند نوشته‌های مثلاً حرح برنارد شاو در مورد موسیقی و تئاتر،

۱ Vachel Lindsay، ساعر آمریکایی

۲ Hilda Doolittle، ساعر، مرحم و رمان‌نویس آمریکایی

۳ Carl Sandburg، شاعر، بویسنده، ویراساز آمریکایی و برده‌ی سه جایزه‌ی پولسبر

۴ Graham Green، رمان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و مسعد ادبی انگلسی

5 Bonny and Clyde

کاملاً محصور به‌فرد و خودمانی باشد به‌عنوان منتقد هم می‌توانید هوادارانی بیابید و لرومی ندارد کسب‌وکار خانم وارن<sup>۱</sup> را نوشته باشید.

اگر قرار باشد نقطه‌ای محوری برای آعار این عصر جدید انتخاب کنم، ۱۶ می ۱۹۵۵ را برمی‌گیریم. در آن روز، در یکی از تاکسی‌های شهر نیویورک، حیمز ایچی دچار حمله‌ی قلبی مرگاری شد دو سال بعد، مرگی در خانواده<sup>۲</sup> به چاپ رسید این رمان به‌رغم ناتمام‌ماندش ستایش‌های فراوانی کسب کرد و برده‌ی جایزه‌ی پولیتز شد شهرت بازیافته‌ی ایچی محر به انتشار ایچی دربارهی فیلم‌ها ریویوها و اظهارنظرها<sup>۳</sup> در سال ۱۹۵۸ گردید این مجموعه نشان داد مرد کلمات که تشکیلات ادبی در طول زندگی‌اش او را بسیار نادیده گرفته بودند، سال‌های حلاقانه‌ی گرافدردی را سپری کرده بود، مردی که عمری را به نوشتن دربارهی فیلم‌ها گذراند، هم به‌صورت هفتگی برای لیرال‌های روش‌فکر در پیش و هم برای نارار اسوه تایم

ناگهان مردم متوجه شدند یکی از ستون‌های محله که در مورد اکران‌های هفتگی اظهار نظر می‌کند، می‌تواند نشان‌دهنده‌ی شیوه‌ی نگارش طرافتمند و افکار تفحص‌گونه باشد در سال ۱۹۴۴، تمحیدی از طرف دلیو اچ اودن<sup>۴</sup> صمیمه‌ی ایچی دربارهی فیلم‌ها شد، کسی که ستون ایچی را «فعالیتی روربانه‌نگارانه، با ارزش ادبی دانمی» و «قابل اعتناترین اتفاق عادی در روربانه‌نگاری امروز» نامید در ریویویی در مورد این مجموعه در سال ۱۹۵۸ در نیویورک تایمر عنوان شد عشق شدید ایچی به سیمما «به او بصیرتی عمیق‌تر دربارهی ذات رساه‌ی سیمما - بالقوه و بالفعل - نسبت به تمامی دیگر نویسندگان آمریکایی به استثنای گیلبرت سلدرد<sup>۵</sup> نحشید» ساتردی ریویو از این هم فراتر رفت «او بهترین منتقد فیلمی بود که این کشور تا به حال به خود دیده»

نمی‌دانم چند بوحوان و چند حوان بیست‌و‌اندی ساله آن کتاب حلد کاعدی قطور با پوشش قرمزرنگ براق را می‌خواند یا نارحوانی می‌کند، اما ما آن کتاب را بدون شناسختن

۱ Mrs Warren s Professton، نمایش‌نامه‌ای از حرح برنارد شاو

2. A Death in the Family

3. Agee on Film. Reviews and Comments

۴ W H Auden، شاعر انگلسی - آمریکایی

۵ Gilbert Seldes، بویسنده و منتقد فرهنگ آمریکایی

## فصل اول

### نقال‌ها

در فوریه‌ی سال ۱۹۴۲، اُتیس فرگوس شاهد بود که سسل جدیدی از منتقدان در حال احیای تفکرات رایج در مورد فیلم‌ها هستند

بیش‌تر افراد به تماشای فیلم‌های خوب یا بد می‌روند تا این‌که بخواهند کتاب‌های خوب یا بد بخوانند، و مطمئناً سطح بالای این محاطب گسترده، از درک و سلیقه برخوردار است و از این رو به معیارهایی درست مشابه معیارهای کتابخوانی بیار داریم. افراد حوا در حال رشد بسیاری وجود دارند که برای‌شان فیلم‌ها آن قدر عادی هستند که لرومی نمی‌بوسد نا آن‌ها فخر و شانه برحورد کند افراد ناهوشی هم هستند که می‌تواند به شما بگوید چه چری باعث بهبود روایت یک فیلم می‌شود

رمانی که «قصیه‌ی منتقدان» در بیو ریپانلیک به چاپ رسید، فرگوس عارم حگ شده بود او ریویوهای تحسین‌برانگیر بسیاری از خود به‌جا گذاشت از همان اولین ریویو در سال ۱۹۳۴، چندین نگرش را برای دفاع از فیلم‌های هالیوودی مورد استفاده قرار داد واپسین مقاله‌ی او بندیسانه بود، اما این امکان را حفظ کرد که منتقدان حوان‌تر نتواند این فرصیه‌ها و نگرش‌ها را در مورد وضعیت رو به تغییر فیلم‌سازی آن دوران به‌کار گیرند چه پیشرفت‌هایی حاصل شده بود؟ آیا فیلم‌سازان کسوبی دستاوردهای فیلم‌های به‌کمال رسیده‌ی دوران ناطق را به فراموشی سپرده بودند؟ و چطور نایستی با فیلم‌ها غیر متکرانه مواجه شد؟

ایچی اولین ریویوی فیلم خود را برای نیش و تایم به تحریر درآورد در همان سال، فاربر در بیو ریپادلیک مشغول به کار شد و ستون فرگوس را از آن خود کرد ایچی در پایان دهه‌ی ۱۹۴۰ نقد فیلم را رها کرد، اما فاربر و تایلر تا دهه‌ی ۱۹۷۰ به نوشتن ادامه دادند

فرگوس، ایچی و فاربر هفتگی نویس بودند، در حالی که تایلر نشر شاعرانه‌اش را برای صفحات هری شریات و محلات کوچک به کار می‌برد. فرگوس در دوران رکود اقتصادی که روربامه‌نگارانی خودبما به کار مشغول بودند، به نقد حدی فیلم روی آورد هر پاراگراف او یک ماحراحویی بی‌قیدوبند در اصطلاحات، استعاره‌های ترکیبی و شیوه‌ی نگارش یویو<sup>۱</sup> به‌شمار می‌رفت. ایچی و فاربر این شاهراه را بیش‌تر گشودند و برای رسیدن به معادن مرعوب‌تر مسیر را کاویدند پارکر تایلر راه خودش را در پیش گرفت و ازانه‌گر موضوعی بود که خود آن را «چهره‌ی بی‌تفاوت اعلی‌حضرت‌ها» می‌نامید و نا «رمانی رام‌شدنی» می‌نوشت

همگی حامع‌الاطراف بودند و از سایر هرها تحریاتی داشتند که در سیما هم آن‌ها را به کار می‌بردند فرگوس که بیش از به سال برای بیو ریپادلیک در مورد کتاب‌ها و همچنین فیلم‌ها ریویو می‌نوشت، در عین حال، تبدیل به یکی از بهترین نویسندگان موسیقی‌خر شده بود ایچی شاعر، رمان نویس، فیلم‌نامه‌نویس، منتقد کتاب، روربامه‌نگار و نویسنده‌ی یکی از کتاب‌های نمادین دهه‌ی ۱۹۴۰، نیایید مردان مشهور را ستایش کنیم<sup>۲</sup> بود می فاربر در حالی که ریویو می‌نوشت و به‌عنوان بحار کار می‌کرد، به‌صورت حرفه‌ای به نقاشی مشغول بود تایلر شعر می‌سرود، رمانی تحریر در مورد زندگی همحس خواهانه به تحریر درآورده بود و مقالات و کتاب‌هایی در مورد هرهای ربا می‌نوشت

در عین حال همگی سینه‌فیل بودند نه‌حویی از تاریخ صحیح سیما که در فیلم‌ها تا اکنون<sup>۳</sup> (۱۹۳۰) پل روئا و همین‌طور حیرش فیلم‌های آمریکایی<sup>۴</sup> (۱۹۳۹) لویس حیکار ذکر شده بود، آگاهی داشتند معیارهای آن‌ها بر اساس استانداردهای امروزی بسیار محدود بود این معیارها بیش از همه شامل آثار مورد نظر موره‌ی هر مدرن نیویورک و فیلم‌سازان مد

سه منتقد به‌شکلی موثر و راهگشا مسیر فرگوس را ادامه دادند در سال ۱۹۴۲، حیمبر ایچی سی‌وسه ساله بود و می فاربر بیست‌وشش ساله نه‌بظرم حوایی‌شان آن‌ها را به اندازه‌ی کافی شجاع‌دل ساخته بود تا در مورد سیمای تحاری آمریکا حسورانه فکر کند تایلر، شهروندی که به‌بدرت متین و موقر ظاهر می‌شد، سی‌وهشت ساله بود و در طول بحستین روره‌های اقامتش در مهتس گستاخانه خود را پارکر تایلر، شاعر عالی‌قدر، می‌نامید او هم در مورد هالیوود شروع به ناراندیشی کرد

این چهار منتقد که نه از مرفهان بودند، نه از طقه‌ی پایین و متوسط، نه صرفاً روربامه‌نگار و نه از روش‌فکران آمریکای شمالی، نقد حسورانه‌ای حلق کردند که بی‌پروا و حیرت‌آور بود آن‌ها عالماً خود را حارج از نیادهای انتقادی قرار می‌دادند در عصری که بیش‌تر روربامه‌نگاران هری حوان می‌حواستند ادموند ویلس و یا الکساندر وولکات باشند، آن‌ها اصرار داشتند «خود»شان باشند

هر یک از این چهار تن نشان دادند که از هوش نه‌حویی تعلیم‌دیده‌ای در هرهای متعالی برخوردارند، به‌ویژه هرهای مدرن نا این حال، همگی از بحث‌های رمانه در مورد فرهنگ توده گذر کردند و مستقیماً و بدون احساس شرم خود موضوع را بشانه رفتند هر کدام محاطبان‌شان را ترعیب می‌کردند مولفه‌هایی در فیلم‌ها بیاسد که روشن‌فکران شاحته‌شده به‌سادگی از آن‌ها می‌گذشتند چهار منتقد مورد نظر ما شیوه‌ی نگارشی پروراندند که نشان از تحر قهارانه‌ی آن‌ها در قلم‌ردن بود و هر کدام نا یک استراتژی ویژه به مقام مقال نابل شدند، معمولاً با طعان‌های دیوانه‌وار در جهت مخالف نا هر آن‌چه هم‌عصران تعبیرناپذیر خود پیشنهاد می‌کردند

حانشیان غیرمتکر فرگوس تنها نه‌چند سال رمان بیار داشتند تا در شریات بزرگ و همین‌طور کوچک سگر بندی کند تایلر که در سال ۱۹۴۰ مقاله‌ای درباره‌ی ریکا<sup>۱</sup> و موطلائی در مصیقه<sup>۲</sup> برای شریه‌ی سورریالیستی و یو<sup>۳</sup> به نگارش درآورده بود، نه نوشتن در مورد فیلم‌ها برای شریات هم‌مسلك ادامه داد و در آن دهه سه کتاب نه چاپ رساند در اواخر سال ۱۹۴۲،

۱ Yoyo، شوه‌ی نه‌حصوصی از نگارش که نشانه‌گذاری را کار می‌گذارد

2. *Let us Now Praise Famous Men*

3. *The Film till Now*

4. *The Rise of American Film*

1 *Rebecca*

2 *Blondie on a Budget*

3 *View*